

نمونه‌ای از نامه‌های ائمه‌ی سلف و ادب علمی آنان با یکدیگر

ابو حنيفة، مالك ابن انس وليث بن سعد رحمهم الله

و مجموعه‌ای از اخب و سلف در ادب اختلاف، و حرص آنان

بر حفاظت دوسی و گام بروز اختلاف نظر

به قلم: دکتر عبدالفتاح ابو غده

متولد: ۱۳۳۶ ه. ق، متوفای: ۱۴۱۷ ه. ق.

مترجم: محمد ایوب روشن زہی



سرشناسه

: ابوغده، عبدالفتاح، ۱۹۱۸ - ۱۹۹۶ م.

: Abu Ghuddah, Abd al-Fattah

عنوان قراردادی

: نماذج من رسائل الائمة السلف و ادبهم العلمی: ابی حنیفه و مالک بن انس، واللیث بن سعد... فارسی

عنوان و نام پدیدآور

: نمونه‌ای از نامه‌های ائمه‌ی سلف و ادب علمی آنان با یکدیگر: ابوحنیفه، مالک‌بن‌انس و لیث‌بن‌سعد رحمهم‌الله و مجموعه‌ای از اخبار سلف در ادب اختلاف... به قلم عبدالفتاح ابوغده؛ مترجم محمدایوب روشن‌زهی.

مشخصات نشر

: سروان: کتاب بلوچ، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۷۸ ص.

شابک

: 978-600-97144-7-6

وضعیت فهرست نویسی

: فیبا

موضوع

: سلفیه

موضوع

: Salafiyah

موضوع

: سلفیه - عقاید

موضوع

: Salafiyah - Doctrines

شناسه اثر

: روشن‌زهی، محمدایوب، ۱۳۶۶ - مترجم

رده بندی کتب

: ۱۳۹۷ ن ۴۱۰۴۱۶/۵/۲۷۶۰۷/۵ BP۲۰۷

رده بندی دیوبی

: ۲۹۷/۴۱۶

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۲۸۱ ۵



انتشارات کتاب بلوچ، سروان خ آزادی ۳۱

تلفن ۰۵۴۳۷۶۳۳۰۸۲

شناسنامه کتاب

نام کتاب: نمونه‌ای از نامه‌های ائمه‌ی سلف و ادب علمی آنان با یکدیگر

نویسنده: عبدالفتاح ابوغده

مترجم: محمد ایوب روشن‌زهی

ناشر: انتشارات کتاب بلوچ

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۷

طراحی و صفحه بندی: محمد ناروئی ۰۹۱۵۴۰۳۰۹۰۴

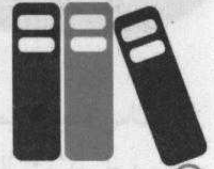
مرکز پخش: مسجد و مکتب الحسین روستای دپکور - بم پشت ۰۹۱۵۵۴۸۳۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۱۴۴-۷-۶

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب



۶	مقدمه‌ی مترجم
۱۷	پیشگفتار
۲۱	آنچه در نارش این رساله رعایت شده
۲۴	بیوگرافی مختصری از امام لیث بن سعد علیه السلام
۳۰	بیوگرافی مختصری از امام شمام بنی علیه السلام
۳۲	نامه‌ی امام ابو حنیفه علیه السلام به امام عثمان بنی علیه السلام
	نامه‌ی امام مالک علیه السلام به امام لیث ابن سعد علیه السلام در فضیلت و ترجیح علم اهل مدینه بر
۴۰	دیگران و اقتدای سلف به آنان
۴۴	نامه‌ی امام لیث ابن سعد علیه السلام به امام مالک ابن انس علیه السلام
۵۴	پایان
۶۰	بهره‌برداری خَلَف از خِلاف جهت ایجاد تفرقه و جدایی
۶۶	نمونه‌هایی بارز از ادب علمی ائمه در پاسخ به همدیگر
۷۴	مذمت دشنام و ناسزا، و وارد نمودن تنقیص بر ائمه

مقدمه‌ی مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَفْضَلِ الْبَرِيَّةِ، بِذُرِّ الدُّجَى، شَمْسُ
الضُّحَى، نُورُ الْهُدَى، خَيْرُ الْوَرَى، إِمَامُ الْأَنْبِيَاءِ، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى آلِهِ وَ
أَصْحَابِهِ الْمُجْتَبَى، وَعَلَى أئِمَّةِ دِينِ الْهُدَى.
اما بعد:

قال عليه السلام: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۱. از میان آن قوم پیشوایانی پدید
آوردیم، به فرمان ما به هدایت مردم پرداختند.
در هر برهه از زمان صلوات الله علیه افرادی را برای پاسداری از دین مقدس اسلام برانگیخته
و تربیت نموده است تا مردم را از سوی حق سوق داده و راهنمایی کنند. در این عرصه
سلف صالح و به خصوص ائمه، از عهده به عنوان تحفه‌ای بی نظیر از جانب الهی
به امت محمدی صلوات الله علیه هدیه داده شدند، آنان با تقوا و اخلاصی که داشتند خدمات
بسیار ارزنده‌ای به اسلام و مسلمین ارائه دادند. اما از آن جایی که متقین، مخلصین
و علمای ربّانی همیشه مورد بی‌مهری و تاخت و تاز حسودان و مغرضان قرار گرفتند،
لذا سلف صالح و ائمه‌ی اربعه نیز از این قاعده مستثنی نیستند.
از عوامل بارز بی‌حرمتی و بی‌ادبی می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود.

۱- هم عصر بودن؛

۲- برتری علمی؛

۳- جایگاه اجتماعی؛

۴- عدم اخبار صحیح؛

۵- حسادت؛

۶- تعصب.

محمد ابو زهره رحمته الله علیه می‌گوید: منشأ تعصب از ضعف اعصاب و گاهی از عدم درک
موضوع و در نظر گرفتن تمام جوانب آن است و خیلی کم است که علت تعصب

براساس قوت ایمان باشد.^۱

به طور مثال می‌توان در بکار بردن الفاظ ناصواب و تند نسبت به ائمه به خصوص حضرت امام ابوحنیفه رحمه الله به امام بخاری رحمه الله با وجود شخصیت علمی، تقوا، اخلاص و جلالت مقامش — ابن حبان بستی رحمه الله، امام خطیب بغدادی رحمه الله و... نیز اشاره نمود. به نظر من هیچ یکی از خلفای راشدین هم چون حضرت عثمان و از تابعین و ائمه ی مجتهدین از امام ابوحنیفه رحمه الله و از علمای مخلص و ربّانی از شیخ الاسلام، امام ابن تیمیه رحمه الله مظلوم‌تر واقع نشدند، بلکه در هر حال این سه بزرگوار مورد بی‌مهری و جنای بسیار قرار گرفتند.

ادب و عفت کلام نیز تدریس اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است، و نسبت به رعایت آن تأکید فراوان شده است، و در کتب حدیث بابی نیز تحت عنوان کتاب الأدب قائم شده است.

حضرت عمر می‌گوید: ابتدا ادب را بگیرید، سپس دانش آموزید.^۲

حضرت ابن عباس می‌گوید: ادب بجوید، زیرا در عقل فزونی می‌آورد، و نشانه ی مردانگی است، همدم تنهایی است، و در غربت همراه است، و به وقت تنگدستی سرمایه است.^۳

ابو عبدالله بلخی رحمه الله می‌گوید: ادب علم از خود علم بهتر است.^۴

امام عبدالله بن مبارک رحمه الله می‌گوید: هیچ فردی در هیچ علمی را علم خبره و ماهر نمی‌گردد تا زمانی که خویش را با ادب آراسته و مزین نگرداند.^۵

امام اوزاعی رحمه الله می‌گوید: هر کس نسبت به علمای ادبی نماید دل او می‌میرد و عاقبت بدون کلمه از دنیا خواهد رفت.

امیرالمؤمنین فی الحدیث، امام عبدالله بن مبارک رحمه الله در قولی می‌فرماید: هر

۱ - تاریخ المذاهب الاسلامیة صفحه ی ۹.

۲ - غذاء الالباب، مبحث: الناس فی الادب علی طبقات.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - همان.

کسی به علما توهین نماید آخرت او نابود خواهد شد.

علماء می‌گویند: توهین و بی‌ادبی نسبت به علما از گناهان کبیره است.

حضرت امام طحاوی رحمته الله در العقیده الطحاویه می‌گوید: علمای سلف و پیشین، و بعد از آن تابعین اهل خیر، اثر و اهل فقه و نظر هستند، جز به خوبی یاد کرده نمی‌شوند، و هر کسی به بدی از آنان یاد کند وی بر طریقه و راه اهل سنت نیست.^۱ ابو زکریا رحمته الله که خود یکی از علمای بزرگ است، می‌گوید: دانش بدون ادب، هم چون آتش بی هیضم است، و ادب بدون دانش، هم چون روح بی جسد است.^۲

علامه ابن تیمیّه رحمته الله در پاسخ به نامه‌ی اهل بحرین می‌نویسد:^۳ علمای صحابه، تابعین و تبع تابعین، هنگامی که در امری با همدیگر اختلاف نظر پیدا می‌کردند از این قول الهی پیروی می‌کردند: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».

اگر چنانچه در مسئله‌ای به بحث و ماجر می‌پرداختند، جهت مشاوره و مناصحه بود، و چه بسا در مسئله‌ای از نظر علمی و علمی اختلاف نظر پیدا می‌نمودند، اما محبت، دوستی و جایگاه برادری دینی یکدیگر را رعایت می‌کردند. — یعنی با حفظ دوستی و رعایت ادب به مباحثه و مناظره می‌پرداختند. — در حقیقت افرادی که نسبت به سلف صالح و ائمه‌ی دین بی‌ادبی روا دارند، افرادی هستند در علم و دانش بی‌بضاعت بوده و فقط خواهان به کرسی نشاندن سخن و سخنرانی، خویش هستند و در این زمینه از هیچ چیز فروگذار نیستند و هیچ حدود و مرزی را رعایت نمی‌کنند و نسبت به علم و یا خوبی‌های طرف مخالف خود توجه ندارند، این در حالی است که یکی از صفات بارز سلف صالح و ائمه‌ی دین اعتراف به خوبی‌های طرف مخالف و استفاده از علم و استعداد آن است و بدون ذره‌ای تعصب در مورد طرف مخالف خویش انصاف را رعایت می‌کردند. لذا می‌طلبید هر عالم مخلص و باتقوا

۱ - متن العقیده الطحاویه صفحه‌ی ۲۰، چاپ مکتبه البشری.

۲ - اخرجه الخطیب فی جامعه ۸۰/۱، ادب الاختلاف فی مسائل العلم و الدین صفحه‌ی ۷۶.

۳ - مجموع فتاوا ۱۷۳/۱۷۲/۲۴.

چنین باشد. با عرض پوزش در حالی حاضر انصاف یکی از نایاب‌ترین چیزهایی است که حصول آن آرزویی به ظاهر دست نیافتنی است، و همین امر باعث ایجاد تنش‌ها، تعصبات بی‌جا، و چه بسا منجر به توهین و سب و شتم گردیده است، غافل از این‌که بزرگان دین، ائمه اعلام و علمای اسلام هرگز رویه‌ی توهین و بی‌ادبی را نسبت به مخالف خویش بکار نبردند، زیرا حرب‌ی توهین و ناسزاگویی از شأن اسلام و علمای آنی که الله تعالی در کلام خویش از آنان به عنوان ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ یاد نموده به دور است.

حضرت امام مالک رحمته الله می‌گوید: هرگاه دیدی شخصی با بد زبانی، دشنام و خشم از حق دفاع می‌کند، بدان وی مرتکب نیت معلول است، زیرا حق هیچ احتیاجی به او و به این چیزها ندارد.

عالمی در لباس دین موفق و محترم است که به جای سرکوب و حمله بر مخالفین خویش از استعدادهای آردان برای رشد و تعالی عقیده‌ی خود استفاده نماید. به عبارتی دیگر این خود کمال انسانی است. تاریخ گواه است هرگاه افراد سبک عقل، بی‌بضاعت در علم و کوتاه‌نظر دارای پلنگ‌گاه شده و یا از قدرت منابر و تریبون برخوردار شدند لباس ادب را از تن بدر آورده و با حمله بر مقدسات، علما و احزاب مختلف اسلامی آتش اختلافات را به جای فروکش نمودن شعله‌ور نموده و اقامت را به جان هم انداختند.

در نتیجه این همان وقت است که فاتحه‌ی آن جامعه خوانده است. علامه ابن تیمیه رحمته الله در «رسالة الالفه بين المسلمين» می‌نویسد: سلف صالح با یکدیگر اختلاف نظر پیدا نمودند، اما اختلاف آنان در رأی و نظر هرگز سبب جدایی‌شان نگردید، زیرا آن‌ها فقط با همدیگر اختلاف نظر داشتند، لکن هرگز از یکدیگر جدایی اختیار نکردند، چون حاصل نمودن همدلی و وحدت قلوب فراتر از هر چیز دیگری است.^۱

۱ - فاطر آیه ی ۲۸ .

۲ - رسالة الالفه بين المسلمين اثر شيخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله، به کوشش عبدالفتاح ابوغده رحمته الله، صفحه ی ۹.